

# مزایا و چالشهای تسهیلگری در آموزش کشاورزی

توسط:

مهندس مسعود یزدان پناه  
دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز

دکتر غلامحسین زمانی  
دانشیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز

تابستان ۱۳۸۴

مزایا و چالشهای تسهیلگری در آموزش کشاورزی

مسعود یزدان پناه  
دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز

غلامحسین زمانی  
دانشیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز

## چکیده

در دنیایی که تکنولوژی و تکنولوژی ارتباطات سرعت در حال پیشرفت است نیازمند افرادی هستیم که بتوانند سرعت تصمیم بگیرند، حل مساله کنند و در انجام این امور اعتماد بنفس بالایی از خود نشان دهند.. سئوالی که پیش می آید این است که چگونه می توان مهارتهای فوق را در فراگیران ایجاد کرد؟ در صورتی که آموزش کشاورزی نتواند خود را با این تغییر و تحولات تطبیق دهد، دیگر برای این رشته متقاضی وجود نخواهد داشت. زیرا زمانی برای رشته ای متقاضی وجود دارد، که کارفرمایان طالب فارغ التحصیلان آن باشند و زمانی که فارغ التحصیلان آموزش کشاورزی مهارتهای لازم را نداشته باشند بالطبع کسی خواهان آنها نخواهد بود. بسیاری از متخصصان در بخش آموزش کشاورزی معتقدند که ارزش واقعی آموزش کشاورزی روی محتوای آموزشی آن نیست، بلکه ارزش واقعی آن بخاطر روشهای تدریس آن است. چرا که این روش تدریس است که باعث می شود فراگیران در فرآیند یادگیری لذت ببرند، و توانایی های لازم را کسب نمایند. بنابراین لازم است که نظام آموزش کشاورزی خویش را با تغییر و پالایش لازم در روشهای تدریس برای قرن ۲۱ آماده کند. اگر بخواهیم آموزشهای کشاورزی منجر به یادگیری عمیقتر، پر معنی تر و کاربردی تر شود این مهم بایستی از طریق تدریس مبتنی بر فراگیر - محوری انجام پذیر است. یکی از روشهایی که صاحب نظران آموزشی بمنظور آماده کردن فراگیران، بسیار بر آن تاکید دارند آموزش فراگیرمحوری بر اساس شیوه تسهیل گری می باشد. تسهیلگری رهیافتی قوی برای تدریس و یادگیری است. وقتی شکل غالب آموزش تسهیلگری است، فضای متفاوتی از سخنرانی و معلم محوری در کلاس درس حاکم می شود. برون دادهای نظام آموزشی که به شیوه تسهیل گری اداره می شوند در دنیای واقعی می توانند موفق و مفید تر باشند. بنابراین برای تسهیلگری به افرادی متفاوت با آموزشگران و معلمین کنونی احتیاج است. آنها نباید به دنبال آموزش عدد و ارقام باشند، بلکه آنها باید درسهایشان را بسمت روشهای اکتشافی هدایت کنند. تاکید بایستی بر این باشد، که کمتر روی تعاریف وقت گذاشته شود، کمتر بروی طبقه بندی و امثال آنها تاکید شود. چرا که اینها در سطوح پایین یادگیری هستند. تاکید باید بسمت روشهای خود گردان باشد و مسئولیت یادگیری را فراگیران خودشان بر عهده گیرند چون آموزش مبتنی بر تسهیل گری بر اساس اعتقادات مکتب ساختارگرایان است. با این حال تسهیلگری یک مطلب کشف نشده و استفاده نشده است. پرداختن به این موضوع این احتمال را بر می انگیزد که آموزشگران کشاورزی هنگام مواجهه با آن دچار سردرگمی شوند. اساسی ترین

و اولین عنصر در تسهیل‌گری تهیه یک محیط سازگار برای یادگیری موثر می‌باشد. فضای آموزشی جهت تسهیل‌گری فقط کلاس درس نیست، بلکه هر جای که فراگیر حضور دارد تسهیل‌گری انجام باید پذیرد.

## **“Advantages and challenges of facilitating in Agricultural Education”**

**Masoud. Yazdanpanah**

**Ghh. Zamani**

### **Abstract**

In the ever expanding world of information technology, there is a need for individuals with abilities to make quick decisions, solve problems, and show relatively high self-confidence. The question remains as to how to develop these skills in agricultural education learners.

If agricultural education discipline fails to stay up-to-date with these changes there would be no more applicants for this major. The skills gained by agricultural graduation need to match with that of agricultural employers. Teaching methods used in agricultural education classes is of prime importance in order to enhance the skills required by agricultural employers.

Teachers of agriculture should employ student-centered teaching in specific and play a facilitative role in the classroom. The facilitative role of teachers of agriculture motivates students to reach higher-order thinking and thus become self-directed learners. As self-directed learners, students do not engage in rote memorization, instead, they use exploratory techniques to reason and behave in a devised way.

An essential element in facilitation is to provide an appropriate environment for students to become active learners.

## مزایا و چالشهای تسهیلگری در آموزش کشاورزی

مسعود یزدان پناه<sup>۱</sup>

غلامحسین زمانی<sup>۲</sup>

۱- مقدمه

بعد از حدود یک قرن تلاش در بخش آموزش کشاورزی آیا می توان گفت به هدفهایی مورد نظر دست یافته ایم. بسیاری از صاحب نظران معتقدند آموزش کشاورزی فقط تولید و تبدیل غذا و مواد حاصل از حیوانات نیست بلکه داشتن یک محیط سالم نیز مد نظر است (Vaughn, no date)، و همچنین ایجاد مهارتهایی در فراگیران است که بتوانند شغل مناسب را در بخش کشاورزی پیدا کنند (Honeycutt, 2003). برای دستیابی به شرایط احراز شغل، افزایش تولیدات کشاورزی و حفظ محیط زیست در کشاورزی فراگیران آموزش کشاورزی باید دارای مهارتهای خاصی باشند. واگون معتقد است توانایی مدیریت در این مورد بسیار مهم است (Vaughn, no date). این در حالی است که هانیکات مهارتهای هفت گانه زیر را برای این مهم ضروری می داند:

۱- قدرت تجزیه و تحلیل قیاسی

۲- توانایی برقراری ارتباط

۳- اعتماد بنفس

۴- تصمیم گیری

۵- مدیریت منابع

۶- مسئولیت پذیری

۷- توانایی استفاده از تکنولوژی های فنی موجود

هانی کات معتقد است در دنیایی که تکنولوژی و تکنولوژی ارتباطات سرعت در حال پیشرفت است نیازمند کارآموزانی هستیم که بتوانند سرعت تصمیم بگیرند، مسئله حل کنند و اعتماد بنفس بالایی در انجام این امور داشته باشند (Honeycutt, 2003). سئوالی

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز

<sup>۲</sup> دانشیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز

که پیش می‌آید این است که چگونه می‌توان مهارت‌های ذکر شده را در فراگیران ایجاد کرد؟ در صورتی که آموزش کشاورزی خود را با این تغییر و تحولات و نیازهای روز تطبیق ندهد، برای این رشته متقاضی وجود نخواهد داشت. زمانی برای رشته‌ای متقاضی وجود دارد، که کارفرمایان طالب فارغ‌التحصیلان آن باشند و زمانی که فارغ‌التحصیلان آموزش کشاورزی مهارت‌های لازم را نداشته باشند بالطبع کسی خواهان آنها نخواهد بود.

هانی‌کات معتقد است که تنها راه ایجاد مهارت‌های ذکر شده در فراگیران کلاس‌های درس می‌باشد ولی کلاس‌هایی که روش‌هایی غیر از روش‌های معمولی را در سر لوحه کار خود قرار دهند. هیچ جایی ایجاد این مهارت‌ها بجز در کلاس درس امکان پذیر نیست، کلاس یا آزمایشگاهی که آموزشگر نقش تسهیل‌گر را ایفا نماید. چون زمانیکه آموزشگر تسهیل‌گری را می‌پذیرد، آموزش به سمت فراگیرمحوری می‌رود و هنگامیکه آموزش فراگیر محور باشد، فراگیران خود به خود در فرآیند یاددهی-یادگیری نقش فعالتری را ایفا می‌کنند و این فعالیتها منجر به محیط یادگیری فعال و در نتیجه ایجاد مهارت‌های لازم در آنها خواهد شد (Honeycutt, 2003). لیندر و همکاران (Lindner et al., 2003) بیان می‌کنند، اگر بخواهیم آموزش‌های ما منجر به یادگیری عمیقتر، پر معنی‌تر و کاربردی‌تر شود از طریق تدریس مبتنی بر فراگیر محوری انجام پذیر است. بنابراین یکی از روش‌هایی که صاحب‌نظران آموزشی بمنظور آماده کردن فراگیران، بسیار بر آن تاکید دارند آموزش فراگیر محور بر اساس شیوه تسهیل‌گری می‌باشد. "تسهیل‌گری یک رهیافت قوی برای تدریس و یادگیری است و وقتی شکل غالب آموزش تسهیل‌گری است، فضای متفاوتی از سخنرانی و معلم محوری در جریان تدریس حاکم می‌شود (Grudens -Schuck, 2003).

## ۲- تسهیل‌گری چیست؟

بنظر می‌رسد واژه تسهیل‌گری و تسهیل‌گر برای انسان‌های مختلف معانی متفاوتی داشته باشد (Peiter, 2003). فرهنگ اکسفورد واژه «Facilitation» را "یک عمل یا فرایند امکان‌پذیر کردن یا ساده‌کردن تعریف کرده است" و «Facilitator» را "شخصی که به افراد کمک می‌کند برای انجام دادن بعضی چیزها بصورت ساده‌تر و آسانتر، بوسیله بحث و کشف مسائل، راهنمایی و غیره نسبت به اینکه به آنها بگویند چه انجام دهند (Hornby, 2000). کلمه تسهیل‌گری از کلمه «ساده‌سازی» می‌آید. در یک موقعیت کار گروهی تسهیل‌گری فرآیندی است که یک فرد ماهر عده‌ای را نظارت و هدایت می‌کند که بتوانند مسائلشان را شناسایی و حل کنند و قادر می‌سازد که این افراد بتوانند با یکدیگر کارگروهی انجام دهند (Cowley et al., 2002). در بعد یاددهی یادگیری تسهیل‌گر کسی

است که در جهت پیشرفت فراگیران مشکلات را آسان می‌کند (Julifs, 2003). تسهیل‌گری نقشی است که قدرت ابتکار، خلاقیت و رشد یافتگی را در فراگیران در جهت کسب مهارت حل مساله و موفقیت در مشکلاتشان تقویت می‌کند (Miller, 2003). در آموزش کشاورزی تسهیل‌گری در یادگیری به معنی در معرض قرار دادن فراگیران با مهارتها و اطلاعات مربوط به موضوعات درسی و فرصت دادن به آنان برای اینکه بتوانند این ایده‌ها و این مهارتها را در دنیای واقعی بکار گیرند. (Honeycutt, 2003). تسهیل‌گری تعهدی است برای درگیر کردن فراگیر در فرآیند یادگیری، در این حالت یادگیرنده نقطه تمرکز و کشاورزی محتوا و متن است (Martin, 2003) پیتر (Peiter, 2003) معتقد است برون دادهای نظام آموزشی که به شیوه تسهیل‌گری اداره می‌شوند در دنیای واقعی می‌توانند بهتر روی پای خود بایستند.

بنابراین برای تسهیل‌گری به افرادی متفاوت با آموزشگران و معلمین کنونی احتیاج داریم. آنچه که بصورت قطعی می‌توان گفت این است که آموزشگران دیگر نمی‌توانند نقش قبلی را داشته باشند، آنها باید تغییر نقش دهند. آنها نباید به دنبال آموزش عدد و ارقام باشند، بلکه آنها باید درسهایشان را بسمت روشهای اکتشافی ببرند. تاکید بایستی بر این باشد، که کمتر روی تعاریف وقت گذاشته شود، کمتر بروی طبقه‌بندی و امثال آنها تاکید شود چرا که اینها در سطوح پایین یادگیری هستند تاکید باید بسمت روشهای خود گردان باشد و مسئولیت یادگیری را فراگیران خودشان بر عهده گیرند به عبارت دیگر بسمت سبک جدید برویم از Hands on به Hands on. Minds on) تا فراگیرانمان از طریق درک، فهم و تجارب به یادگیری جدید دست پیدا کنند که این موضوع از مکتب ساختارگرایان منشاء می‌گیرد (Cano, 2003).

### ۳- فلسفه تسهیل‌گری:

نبلاخ (Knob loch, 2003) و هیچینگ (Hichings, 2003) بیان می‌دارند که آموزش مبتنی بر تسهیل‌گری بر اساس اعتقادات مکتب ساختارگرایان است. مارتین نیز بیان می‌دارد زیربنای فکری تسهیل‌گری تلفیقی است از دو مکتب پراگماتیسم (کار عملی) و مکتب ساختارگرایان (Martin, 2003). از طرف دیگر پذیرفتن این رهیافت بستگی به دیدگاه فلسفی آموزشگران دارد، و بالطبع این دیدگاه بر افکار آنها برای بکاربردن آن تاثیر دارد. لذا آنچه بر روی برداشت آموزشگران از نقش تسهیل‌گری تاثیر می‌گذارد دیدگاه فلسفی آموزشگران است، به عبارت دیگر اگر آموزشگران دیدگاه ساختارگرایی یا مثبت‌گرایی داشته باشند، بر اینکه فرد طرفدار یا

مخالف تسهیلگری شود تاثیر می گذارد. بنابراین برای اینکه یک آموزشگر کشاورزی اعتقاد به نقش تسهیلگری خودش داشته باشد بستگی به پارادیم شخصیتی وی دارد (Knobloch و 2003).

با این حال "تسهیلگری" یک پدیده ای است که هنوز بحد کافی کشف و استفاده نشده است. پرداختن به این موضوع این احتمال را بر می انگیزد که آموزشگران کشاورزی در هنگام بحث پیرامون آن دچار سردرگمی شوند. این آموزشگران بوسیله آموزشگرانی که تکیه بر معلم محوری و مدل کارشناس دارند آموزش دیده اند، و شیوه ها، قالبهای استفاده از مواد و فرمهای ارزیابی از فراگیران از یک نسل آموزشگران به نسلهای دیگر به ارث رسیده لذا احتمالاً آموزشگران کنونی مدل تسهیلگری را بکار نخواهند برد. بنابراین رهیافتهای جدیدی همچون تسهیلگری غیر نمایان و بدون استفاده خواهند ماند (Grudens -Schuck , 2003).

#### ۴- ساختارگرایی

جدیدترین واژه ایی که در محدوده آموزش جلب توجه می کند، ساختارگرایی (Constructivism) می باشد. این واژه اولین بار در سال ۱۹۱۷ در زمان انقلاب بلشویکی در روسیه مورد استفاده قرار گرفت (Hubbard, 2002). سپس این واژه به دیگر علوم از جمله آموزش نیز سرایت کرد و در تئوری یادگیری نمود پیدا کرد (Lorsbach & Tobin, 2000). واژه ساختارگرایی اشاره به این موضوع دارد که فراگیران دانش را خودشان می سازند، و هر فراگیر بصورت انفرادی یا گروهی مفاهیم را می سازد از این بیان دو نتیجه گرفته می شود:

۱) در یادگیری تاکید بر فرایند یادگیری است نه محتوای یادگیری.

۲) هیچگونه یادگیری چه در سطح فرد چه در سطح جامعه بدون تجربه اتفاق نمی افتد (Hein, 1991). زیربنای فکری ساختارگرایی در آموزش عبارتست از: فراگیر باید نقش فعالی را ایفا کند و نباید منفعل باشد (Glaserfeld, 1993). فرضهای این دیدگاه عبارتند از:

۱- آموزشگر در محیط یادگیری یک شرکت کننده است

۲- فراگیران تمامی توجهشان را بروی فعالیتهای محوله می گذارند و سعی می کنند انرژی بسیار زیادی در کلاس صرف این وظایف کنند.

۳- فراگیران خودشان فرایند یاددهی - یادگیری را هدایت می کنند.

۴- در کلاسهای تسهیلگری سعی می‌شود مطالب با علائق فراگیران تطبیق داده شود.

۵- دانش و تجارب قبلی فراگیران، نه آموزشگران مبنای دانش است.

۶- آموزشگران علاوه بر فعالیت در حیطه شناختی، حیطه عاطفی را نیز در نظر می‌گیرند.

۷- در چنین کلاسهای فراگیران مسئولیت یادگیری خود و همکلاسیهایشان را برعهده می‌گیرند (Knobloch, 2003)

گلاسرفلد (Glaserfeld, 1993) نیز ویژگیهای مکتب ساختارگرایان را چنین بیان می‌کند.

۱- در آموزشهایی که بر اساس دیدگاه ساختارگرایان انجام می‌گیرد، فراگیران بیشتر بدنبال چراها و چگونی‌ها هستند.

۲- در این مکتب دانش بصورت یک بسته آماده و قابل انتقال نیست. بلکه باید ساخته شود و بدین دلیل باید فراگیر در ساختن آن فعال باشد.

۳- زبان و ارتباطات کلامی در آموزش خیلی موثر نیستند، این ذهن فراگیران است که باید پرورانیده شود.

۴- فراگیران بیشتر بدنبال رفع نیازهای خود در زندگی روزمره هستند.

۵- در این مکتب نیز همچون مکتب رفتارگرایان پاداش در یادگیری موثر می‌باشد.

۶- انگیزه در یادگیری فراگیران موثر می‌باشد.

بنسز نیز اصول ساختارگرایی را چنین بیان می‌کند:

(۱) هر فراگیری دارای ایده است.

(۲) ایده فراگیران با آموزشگرانشان اغلب در تضاد می‌باشد.

(۳) فراگیران ایده‌هایشان را دوست دارند.

(۴) فراگیران بیشتر آنچه را که می‌خواهند یاد می‌گیرند.

(۵) فراگیران به تجارب دست اول در یادگیری نیاز دارند.

(۶) آنها در یادگیری بجز آموزشگر به منابع انسانی دیگر نیز نیازمند هستند.

(۷) فراگیران نیاز دارند، بدانند چگونه یاد می‌گیرند (Bencze, 2002).



بنابراین در کلاسهای ساختارگرایی توجه بسمت تغییر از معلم- محوری بسمت فراگیر محوری است. ضروری است که فراگیران بصورت فعال در فرایند یادگیریشان درگیر شوند. در چنین حالتی آموزشگر هدایت، تشویق و کمک می کند به فراگیران برای توسعه پیشرفتشان و دستیابی به درک بالاتر و این نوعی یادگیریست. در این کلاسها آموزشگر و شاگرد معتقدند دانش یک واقعیت ساکن برای حفظ کردن نیست. بلکه یک دید همواره در حال تغییر و پویا از دنیایی است که در آن زندگی می کنند و نوعی توان است برای گسترش و کشف موفقیت آمیز آن دیدگاه و این باعث می شود آموزشگر از نقش انتقال دهنده اطلاعات به یک تسهیل گر در یادگیری تبدیل می شود. بنابراین فردی که با شیوه ساختارگرایان عمل می کند، تسهیل گر می باشد و فرایند یادگیری را هدایت می کند و از انتقال هرگونه محفوظات به فراگیران جلوگیری می کند. پس نقش آموزشگر از حالت متخصص و کارشناس محض خارج می شود (cano, 2003). در کل کلاسهای سنتی و ساختارگرایی دارای تفاوت های زیادی می باشند که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره (۱) تفاوت کلاسهای ساختارگرا با کلاسهای سنتی

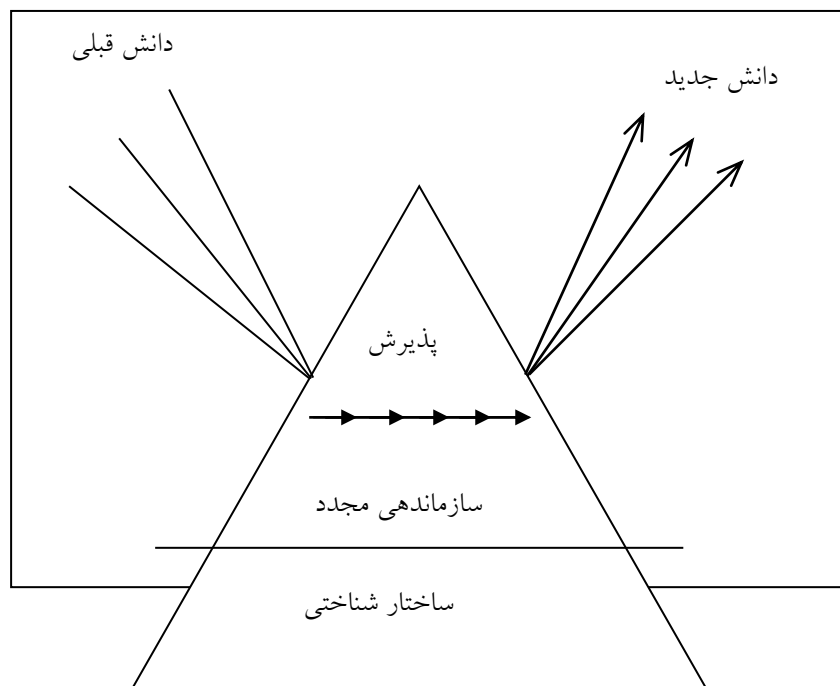
کلاسهای ساختارگرا	کلاسهای سنتی
تاکید از کل به جزء و تاکید بر مفاهیم آموزی است	تدریس از جزء به کل است و تاکید بر موضوع- محوری است
فراگیر - محور و ارزش اصلی علائق فراگیران است	محتوا- محور و ارزش اصلی را دروس دارند
منابع شامل منابع اولیه و مواد دستکاری شده است	مواد مورد استفاده کتابها و مواد نوشتاری و مشخص هستند
یادگیری تعاملی است و بر اساس دانسته های اولیه فراگیران ساخته می شود	یادگیری بر پایه تکرار است
معلم با فراگیر به گفتگو و بحث می پردازد و باعث می شود که وی دانشش را بسازد	معلم انتقال دهنده اطلاعات و فراگیران پذیرنده آن هستند
معلم نقش تعاملی دارد و ریشه در بحث و گفتگو دارد	معلم نقش مستقیم و اصلی را دارد و ریشه در اقتدار دارد
ارزیابی شامل فعالیتها، مشاهدات و نقطه نظرات فراگیران است و خود این فراین تولیدکننده است	ارزیابی بر اساس آزمون و جوابهای صحیح است
دانش متحرک و همه می توانند بر اساس تجاربشان آن را تغییر دهند	دانش ساکن و در اختیار عده خاصی است
اساس فعالیت فراگیران گروهی است	اساس فعالیت فراگیران انفرادی است

منبع: Bencze, 2002.

بر اساس دیدگاه ساختارگرایان هر فراگیر دارای یک پیش زمینه دانشی می‌باشد. این پیش‌زمینه در مواجهه با محیط زندگی و تجارب جدید دوباره سازی شده و در نهایت منجر به دانشی جدید برای وی می‌شود، و این فرایند بصورت یک سیکل می‌باشد که دائم در حال تکرار است. نمودار شماره ۱ این فرایند را نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱

فراگیر



محیط

منبع: اقتباس از Doolittle

## ۵- ویژگیهای تسهیل‌گر:

در کلاسهایی که به روش تسهیل‌گری، اداره می‌شود، آموزشگر ویژگیهای متفاوتی با کلاسهای آموزشی سنتی دارد. مثل هر مدل تدریسی، تسهیل‌گری موثر، نیازمند مهارتهای استادانه‌ای است که بستگی به ترکیب ماهرانه علوم تئوری و عملی دارد (Grudens -Schuck, 2003). در این کلاسها فراگیران سیکل فرایند یاددهی - یادگیری را در یادگیری از طریق عمل بصورت کامل طی خواهند کرد، و معلمان همچون یک تسهیل‌گر هر فرد را در مسیر مستقیم یادگیری راهنمایی می‌کنند (Ferguson, 2003). در فرایند تسهیل‌گری، تسهیل‌گر باید توسعه‌گر، چالش‌آمیز، توجیه‌پذیر، انعطاف‌پذیر و واکنشی باشد (Knobloch, 2003) کولی و همکاران (Cowley et al., 2002) نیز ۷ ویژگی را برای تسهیل‌گر بیان می‌کنند که عبارتند از: برخورداری از مهارت کافی، برخورد دوستانه، تعامل با فراگیران، توانایی نقد، هدایت بحث‌ها، توانایی داوری و در نهایت توانایی جمع‌بندی موضوعات مطرح شده را داشته باشد. اورت و همکاران (Ewert et al., 1994) علاوه بر ویژگیهای ذکر شده معتقدند: تسهیل‌گر را باید: صبور باشد، به خواسته‌ها و نیازهای فراگیران احترام بگذارد، و نسبت به تفاوت‌های فردی فراگیران نیز حساس باشد.

بنابراین یک تسهیل‌گر باید بتواند عملکرد افراد را در انجام پروژه‌هایشان بالا ببرد، او نقش تصمیم‌گیری و کنترل ندارد، وی فقط راهنما، هدایت‌کننده و حمایتگر است. بصورت ساده او باید کاری کند که گروه‌ها بتوانند کارشان را درست انجام دهند. آموزشگر کلاسهای تسهیل‌گری نسبت به آموزگاران کلاسهای درس معمولی بسیار متفاوت هستند، که این امر در جدول ۲ مقایسه شده است. ولی باید توجه داشت که نقش آموزشگر در این فرایند یک نقش فرعی و ضعیف نمی‌باشد. این مهم است که بدانیم رهیافت تسهیل‌گری نمی‌خواهد که آموزشگر عملی ضعیف از خود نشان دهد، یا مواد درسی را بر اساس علاقه و هوس فراگیر تغییر دهد. تسهیل‌گری احتیاج به آموزشگرانی قوی که بتوانند با فراگیرانشان بصورت مفید و سازنده‌ای مشارکت کنند، دارد.

جدول شماره ۲) تفاوت‌های بین یک تسهیل‌گر و یک آموزشگر عادی

عناصر	تسهیل‌گر	آموزشگر
راهنما	وظیفه اصلی وی در یادگیریست	وظیفه اصلی وی ارائه مطالب است نه راهنمایی
انعطاف‌پذیر	باید بسیار انعطاف‌پذیر باشد	برنامه کاملاً از قبل مشخص شده است
واکنشی	است	نمی‌باشد
برخورد دوستانه	زیاد	لزومی ندارد
نقد کردن	نقد یادگیری فراگیران باعث ایجاد تفکر انتقادی در آنها می‌شود	وظیف معلم تصحیح امتحانات و نمره دادن است
داوری کردن	در تسهیل‌گری بسیار مهم است	اهمیت چندانی ندارد
حساس به تفاوت‌های فردی	بسیار مهم است	مطالب ارائه شده برای همه یکسان است
تصمیم‌گیری	در تصمیم‌گیری در ردیف فراگیران است	قدرت برتر تصمیم‌گیری می‌باشد
کنترل یادگیری	به‌عهده وی نمی‌باشد	کاملاً وظیفه معلم است
احترام به فراگیران	بسیار لازم است	لزومی ندارد

#### ۶- چرا از تسهیل‌گری کم استفاده می‌شود؟

دلیل نا آشنا بودن با رهیافت تسهیل‌گری عدم معرفی کافی این رهیافت است. بنابراین بی تجربه‌گی اصلی‌ترین سد در راه استفاده کم از این رهیافت می‌باشد. برای بعضی‌ها نیز بی‌علاقگی به تسهیل‌گری ممکن است، ریشه در نا کارآمدی و بی‌سازمانی آن داشته باشد. اگر یک آموزشگر از مزایای تسهیل‌گری بی‌اطلاع باشد یا تجربه بدی از تسهیل‌گری داشته باشد، یا وابسته به روش معلم

محوری باشد، از تسهیل‌گری در فرایند یادگیری فراگیران استفاده نخواهد کرد. چرا که قسمتی از مشکل بکارگیری این رهیافت احتمالاً به دلیل عدم آگاهی افراد از کیفیت بالای فرایند تسهیل‌گری می‌باشد (Grudens-Schuck, 2003).

#### ۷- مزایای تسهیل‌گری:

اکثر متخصصان آموزشی معتقدند که روشهای فعلی آموزش، فراگیران را جهت زندگی آینده و فعالیت در اجتماع آماده نمی‌کنند. با توجه به مشکلات فعلی جامعه (بیکاری بالا، آلودگی محیط زیست و غیره) باید بفرکر شیوه‌های آموزشی باشیم که فراگیران ما بتوانند بنحوی توانایی حل مشکلات فوق را داشته باشند. اخیراً تسهیل‌گری به عنوان راه‌حلی جدید معرفی گردیده است چرا که مزایای آن عبارتند از:

تسهیل‌گری به فراگیران کمک می‌کند به سمت اکتشاف در یادگیری روند، مسئولیت یادگیری خودشان را قبول کنند و آنها را در زندگی روزمره بکار گیرند (Cano, 2003). همچنین هانی کات (Honeycutt, 2003) معتقد است که تسهیل‌گری سبب می‌شود، فراگیر نقش فعالتری داشته باشد، بدنبال آزمایش و اکتشاف رود، و در نتیجه یادگیری درونزا خواهد شد. بنابراین محتوای آموزشی در ذهن فراگیر بیشتر می‌ماند، و پیشرفت تحصیلی آنها نیز بیشتر می‌شود. همچنین تسهیل‌گری سبب می‌شود، فراگیران قدرت تفکر انتقادی داشته باشند (Lindner et al., 2003). مزایای تسهیل‌گری فقط در مورد تدریس نیست بلکه زندگی اجتماعی فراگیران را نیز در بر می‌گیرد. استفاده از تسهیل‌گری یک زندگی دموکراسی را به افراد یاد می‌دهد. چون در دموکراسی کارها بر اساس عدالت و درستی انجام می‌پذیرد. لذا برای اینکه فراگیران عادت به یک دموکراسی موفق کنند، باید مهارت‌آموزی کنند، دارای تئوری و مدل باشند و آنها را تمرین کنند که تمامی اینها در درون تسهیل‌گری نهفته است (Grudens-Schuck, 2003). با تمام مزایای ذکر شده برداشتهای نادرستی نیز از تسهیل‌گری وجود دارد که باید رفع گردند، جدول شماره ۳ برداشتهای نادرست و موارد صحیح در امر تسهیل‌گری را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳). برداشتهای نادرست و موارد صحیح تسهیل‌گری

موارد صحیح در مورد تسهیل‌گری	برداشتهای نادرست در مورد تسهیل‌گری
<ul style="list-style-type: none"> <li>• فراگیران بیشتر از معلمان صحبت می‌کنند.</li> <li>• فراگیران از معلمان فعالیت‌ترند.</li> <li>• فراگیران همچنان که با معلم صحبت می‌کنند با دیگر فراگیران نیز می‌توانند صحبت کنند.</li> <li>• فراگیران یادگیریشان را مدیریت می‌کنند.</li> <li>• فراگیران نقش مهمی در یادگیری بقیه فراگیران ایفا می‌کنند</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تسهیل‌گری نه پیچیده است نا ساده‌تر از بقیه رهیافتها</li> <li>• تسهیل‌گری را می‌توان آموزش داد. و بطور کامل وابسته به تیپ شخصیتی نیست.</li> <li>• تسهیل‌گری وابسته به کلاسهای با تعداد کم نیست</li> <li>• تسهیل‌گری ارزش بسیار بالایی به آزادی عمل فراگیران می‌دهد تا بصورت مستقل کار کنند و ارزش زیادی به رد و بدل کردن اطلاعات بین فراگیران و فراگیر با آموزشگر می‌دهد. اما چنانچه معلم نقش قوی‌تری داشته باشد. امکانپذیر است نه نقش ضعیف</li> <li>• عمل تسهیل‌گری انعطاف‌پذیر نیست</li> </ul>

منبع: (Grudens -Schuck , 2003)

براساس موارد ذکر شده، عناصر رهیافت تسهیلگری بر طبق جدول شماره ۴ بیان می‌گردد، باید توجه داشت که

ممکن است بعضی از این عناصر در رهیافتهای دیگر نیز وجود داشته باشند.

جدول شماره (۴) عناصر یک رهیافت تسهیل‌گری

تسهیل‌گری	شاخص
فرایند یاددهی - یادگیری	فرایند
ساختارگرایی	فلسفه
مدرسه و اجتماع	فضا
موادی که در زندگی روزمره و اجتماع مفید هستند	محتوا
یادگیری گروهی - ایفای نقش	روش
سنجش نگرش علاوه بر رفتار	ارزشیابی
پروژه و کارگروهی	تکالیف
تسلط به کار گروهی - مشارکت‌پذیر - مدیریت - رهبری و تفکر انتقادی	برون‌داد
افزایش دموکراسی در جامعه	نتیجه

#### ۹- چگونه تسهیل‌گر شویم

یک فرمول جادویی برای فرآیند تسهیل‌گری و تسهیل‌گر شدن وجود ندارد. در تحقیقاتی که روی رهیافت تسهیل‌گری انجام شده است، محققین دریافته‌اند که شخصیت‌های مختلف تسهیل‌گری‌های متفاوتی را بکار می‌برند. اما فطرت و خلق خو نمی‌تواند سدی در راه استفاده از آن باشد. بنابراین همه آموزشگران می‌توانند تسهیل‌گری را بکار برند (Grudens-Schuck, 2003). حال چگونه آموزشگران می‌توانند تسهیل‌گر شوند؟ چند عامل است که بر تغییر از آموزشگر محوری به سمت تسهیل‌گری تاثیر می‌گذرد، ممکن است بنظر رسد، این عوامل مستقل از هم هستند، ولی در عمل هر کدام از این عوامل در تعامل با یکدیگرند. این عوامل عبارتند از:

(۱) شرط اول اینست که آموزشگران نقش جدیدشان را درک کنند، و مسئولیتهایی را که ممکن است به عنوان تسهیل‌گر بر عهده آنهاست قبول کنند و بپذیرند. در کلاسهای تسهیل‌گری مسئولیت و کنترل یادگیری از آموزشگران به میزان قابل توجهی گرفته می‌شود. حتی محتوای آموزشی هم تغییر می‌کند نه اینکه همه محتوا

تغییر می‌کند بلکه یک سری محتویات جدید به آنها اضافه می‌شود. این اضافات عبارتند از مهارت‌های

نرم‌افزاری (Skill Soft) مثل مدیریت زمان و بحث‌های گروهی

(۲) آموزش‌گرانانی که می‌خواهند این تغییر را داشته باشند بایستی بتوانند در چنین کلاس‌هایی احساس راحتی کنند.

منظور اینست که در یک کلاس تسهیل‌گری سرو صدا زیاد است، فراگیران دارای جنب و جوش زیادی

هستند، این ممکن است یک فضای پر تنش را برای آموزش‌گری که عادت به چنین شرایطی ندارد ایجاد کند.

(۳) معلمان بایستی دو چیز را در این کلاسها مدنظر داشته باشند و تحمل کنند.

الف) انعطاف‌پذیری لازم

ب) روشن نبودن دقیق فرایند یادگیری

مثلاً در چنین کلاس‌هایی ممکن است سئوالی پیش آید و چنین سئوالی ممکن است برای آموزش‌گر تازگی داشته

باشد، و این برای وی چالش‌آمیز است. پس باید توانایی تحمل زیادی داشته باشند.

(۴) در چنین کلاس‌های آموزش‌گر باید خودش را با تکنولوژی‌های موجود سازگار کند، و از آنها استفاده نماید.

مانند اینترنت و غیره

۵- و در نهایت آموزش‌گر بایستی تسهیل‌گری را در تمام نظام آموزشگاه منتشر کند. اگر به تنهایی اینکار را انجام

دهد ممکن است مشکل بوجود آید، چرا که یکی از ویژگی‌های مهم تسهیل‌گری اینست که فراگیران همه چیز را

عمیق ببینند نه سطحی ولی استانداردهای موجود آموزشگاه‌های فعلی مثل سئوال‌های امتحانی و غیره عمق چندانی

ندارد. که در این صورت تسهیل‌گری در یک کلاس تنها فایده‌ای ندارد (Grant, 2003).

## ۱۱- نتیجه‌گیری

با تمام مزایا و سودمندی تسهیل‌گری در فرآیند یاددهی - یادگیری باید در موارد استفاده از آن احتیاط لازم رعایت شود. چرا که

فراگیران دارای تفاوت‌های فردی زیادی هستند، و هر کدام با یک پیش‌زمینه قبلی منحصر به فرد خود وارد محیط آموزشی می

شوند. بنابراین باید آموزشها متناسب با شرایط آنها باشد. به عبارت دیگر فراگیران بر روی یک طیف تقسیم می‌شوند، که یک سر

طیف فراگیرانی وابسته و طرف دیگر فراگیرانی خودگردان و مستقل وجود دارد، حال اگر آموزش‌گر فرایند تسهیل‌گری را برای هر



دو سر طیف یکسان بکار برد، مسلماً یک عدم تطابق با سطح استقلال افراد بوجود خواهد آمد. چرا که آموزشگر یک آزادی به فراگیران (وابسته) می‌دهد که هیچ آمادگی برای آن نخواهند داشت و حتی ممکن است از وی بخاطر این رفتار متنفر شوند و این احتمال ممکن است در جهت عکس نیز اتفاق افتد (آموزشگر نقش پایین‌تری را ایفا کند). بنابراین آموزشگر باید در طول دوره آموزشی با فراگیران خود بنحوی رابطه برقرار کند، تا توانایی آنها را تشخیص داده و بر اساس آن رهیافت تسهیلگری را متناسب با سطوح فراگیران عملی سازد.

## ۱۲- پیشنهادات

با توجه به مسائل بحث شده درمورد تسهیلگری پیشنهادات ذیل جهت استفاده بیشتر و بهتر از این رهیافت ارائه می‌گردد. معلمین باید به وسیله سمینارها، آموزشهای ضمن خدمت و موارد مشابه با مزایای تسهیلگری، روشهای مورد استفاده در آن و در کل تمام موارد مربوط به تسهیلگری آشنا شوند.

آموزشگران باید توجه شوند، که فراگیران کلاسها دارای تفاوتهای فراوانی هستند و نحوه برخورد تسهیلگر باید بر اساس توانایی و درجه وابستگی فراگیران تنظیم شود.

آموزشگران بر اساس ارتباط روزمره‌ای که با فراگیران دارند باید سطح آنها را بر اساس میزان علاقمندی به کارگروهی، نحوه انجام پروژهها و غیره تشخیص دهند و فراگیران نزدیک به یکدیگر را در گروههای متفاوت تقسیم کند.

در مرحله بعد آموزشگر باید بر اساس توانایی و سطح وابستگی فراگیرانشان به آنها پروژههایی ارائه دهد، تا بصورت گروهی برای به انجام رساندن آنها با هم فعالیت کنند. این پروژهها و کارهای گروهی باعث تقویت مشارکت، فعالیتهای گروهی و انتقادپذیری می‌شود.

آموزشگر سعی کند تعداد پروژههایی که به فراگیران می‌دهد زیاد نباشد، و به کیفیت بهای بیشتری دهد. (هر ترم ۲ پروژه). تسهیلگران بایستی سئوالهای چرایی و چگونگی از فراگیران بپرسند. اینگونه سئوالات فراگیران را وادار می‌کند تا خارج از کلاس هم فعال باشند و فقط متکی به وقت کلاس نباشند و برای پیدا کردن جواب بدنبال منابع دیگر بروند. تسهیلگر نباید پاسخ سئوالات را در اختیار پاسخگویان قرار دهد. از طرفی نباید برای یافتن پاسخ آنها را منحرف کند. بلکه برای رسیدن به پاسخ آنها را هدایت کند. این روش باعث می‌شود آنها بصورت فعال در یادگیری شرکت کنند.

تسهیل‌گران باید سعی کنند مطالب ارائه شده در زندگی روزمره فراگیران قابل کاربرد باشد. با این کار وی فراگیران را برای یک جامعه کاری مدرن آماده می‌سازد، و یادگیری را نیز پرهیجان می‌سازد.

سعی شود در فرایند تسهیل‌گری از ساده‌سازی (توالی مطالب رعایت شود) و از مثالهای واقعی و عینی استفاده شود. تا آنجا که امکان دارد از فرصتهای آزمایشگاهی و منابع موجود در جامعه استفاده شود.

کلاسهای تسهیل‌گری برای موفقیت آمیز بودن باید تعداد محدودی فراگیر داشته باشد، و سعی شود در این کلاسها تا حد امکان از سخنرانی و حفظ‌کردن مطالب پرهیز شود.

در نهایت باید گفت که استفاده از تسهیل‌گری بدان معنی نیست که آموزشگران نباید از روشهای سخنرانی و دیگر روشهای موضوع مدار استفاده کنند. زیرا این روشها در بعضی موارد همچون معرفی تکنولوژی‌های جدید و غیره بسیار کارساز می‌باشند.

۱۳- منابع مورد استفاده:

1. Bencze, J. L. (2002) Constructivism as a Paradigm For Teaching and Learning. Www. Site for John Lawrence Bencze. Com
2. Cano, Jamie. (2003) From Teacher to Facilitator: A New Role for the Teacher. The Agricultural Education Magazine. Volume 76, Issue 2. Pp 16-17.
3. Cowley, Jennifer & other. (2002) Online Facilitation. Elearnspace everything elearning. Www. Brianalger. Net/ archives/ 000022. html
4. Doolittle, Peter. E (No Date) Complex Constructivism. A Theoretical Model of Complexity and Cognition. Virginia Doly Teaching Institute & State University Blacksby.
5. Ewert, Merrill. & other. (1994 )Cultural Diversity and Self – Sustaining Development: The Effective Facilitator. Journal of the Community Development Society. Volume 25, No. 1. Pp 20-33.
6. Ferguson, John. (2003) Learning by Doing: Rebuilding New Interests. The Agricultural Education Magazine. Volume 76, Issue 2. Pp 9-10
7. Grant, Michael. M. (2003) Finding Your Place in a Student- Centered Classroom as a Teacher- Facilitator. The Agricultural Education Magazine. Volume 76, Issue 2. Pp 10-11.

8. Grudens – Schuck, Nancy. (2003) Facilitation as the Main from of Instruction: The Case of the Odd Duck. The Agricultural Education Magazine. Volume 76, Issue 2. Pp 9-10.
9. Hein, George E. (1991) Constructivist Learning Theory: The Museum and the Needs of People. CECA (International Committee of Museum Educators) Conference. Jerusalem Israel, 15-22 October
10. Hitchings, Bret. (2003) Turning the College Learner into a High School Teacher the Agricultural Education Magazine. Volume 76 , Issue 2. Pp 20-21.
11. Honeycutt, Mike. (2003) Preparing Students for the 21st Century Workplace through Facilitation. The Agricultural Education Magazine. Volume 76, Issue 2. Pp 24-25.
12. Hornby, A. S. (2000) Oxford Advanced Learners Dictionary of Current English Sixth Edition. Oxford University Press.
13. Hubbard, Guy. (2002) Constructivism. (Classroom Use). (Brief Article). Www. Adobe. Colive4.html.
14. Juilfs, Kim. (2003) a Facilitator Asks, “Do I Know You?” The Agricultural Education Magazine. Volume 76, Issue 2. P 12.
15. Knobloch, Neil. A. (2003) Reflections on Facilitation in Agricultural Education. The Agricultural Education Magazine. Volume 76, Issue 2. Pp 4-5.
16. Lindner, James. R. & Other (2003) Teaching, Coaching, Mentoring, Facilitating, Motivating, Directing... What is a Teacher to Do? The Agricultural Education Magazine. Volume 76, Issue 2. Pp 26-27.
17. Lorsbach, Anthony & Tobin, Kenneth. (2000) Constructivism as a Referent for Science. Resource Center Education. Www, [asc.org/ resource/ educator/construct.htm#top/20of/20page](http://asc.org/resource/educator/construct.htm#top/20of/20page).
18. Peiter Robin. L. (2003) Reality T.V. and Agricultural Education. The Agricultural Education Magazine. Volume 76, Issue 2. P 8.
19. Glasersfeld, Ernst. Von (1993). Learning and adaptation in the theory of constructivism, Communication & Cognition.
20. Martin, Robert. A. (2003) Are You in the Zone? The Agricultural Education Magazine. Volume 76, Issue 2. P. 2.
21. Miller, Wade.(2003) The Role of the Teacher in Agricultural Education. The Agricultural Education Magazine. Volume 76, Issue 4. Pp. 4-5.
22. Vaughn, Rosco. (No date). Do we still need agricultural education? The Agricultural Education Magazine. Volume 71, Issue 4. Pp 4-5